

نقد مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی
با حضور تعدادی از مدیران منطقه پنج آموزش و پرورش شهر تهران

نقد

دوره راهنمایی تحصیلی کمر آموزش و پرورش است

عکس: اعظم لاریجانی



تصور برگزاری چند جلسه نقد دوستانه که هم در برنامه‌ریزی محتوای مجله تأثیر بگذارد و هم یخ رابطه مجله و مخاطب را آب کند، آن قدر جذاب و منطقی بود که دیگر هیچ تردیدی در برگزاری برآیمان نماند.

دوشنبه ۲۲ فروردین ماه، کارشناسان مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، میزبان تعدادی از مدیران آموزش و پرورش منطقه پنج شهر تهران شدند. برای شروع، فیلم کوتاهی با موضوع «و درنگی در راه» نمایش داده شد.

پس از خیر مقدم گرم و صمیمانه، سردبیر مجله با ارائه مقدمه‌ای درباره سند برنامه دوره هفدهم مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، مهم‌ترین هدف گروه کارشناسی مجله را پاسخ‌گویی به این پرسش عنوان کردند که «چه کنیم تا در توانمندسازی معلم نقش داشته باشیم؟»

جلسه شروع شد. همه انتظار داشتیم به رشد راهنمایی نقد و پیشنهادها ارائه شود. اما برخلاف انتظارمان، دوستان بیشتر درباره آن چه که به نام محصولات دفتر انتشارات کمک آموزشی می‌شناختند، صحبت کردند. در واقع دوره راهنمایی باز هم مظلوم واقع شد. نقل قول جالب سردبیر مجله از دکتر حدادعادل درباره موقعیت دوره راهنمایی تحصیلی در آموزش و پرورش، نکته‌سنجی ظریفی بود.

دکتر حدادعادل گفته است: «اگر آموزش و پرورش را مانند یک پیکره فرض کنیم، دوره راهنمایی تحصیلی به‌سان کمر اوست و نظام آموزش و پرورش ما همیشه از کمر آسیب دیده است.»

چرا عده‌ای سال‌ها مخاطب مجله مورد علاقه‌شان می‌مانند و آن را در کشوی میز کارشان جا نمی‌گذارند

شاید بهتر بود موضوع نقد، فراخوان می‌شد. در هر حال، آن چه در جلسه گذشت، نقد و بررسی آثار «خانواده بزرگ رشد» بود. اگر نصفانه به قضاوت بنشینیم، جلسه نقد، آن قدر بویا و هوشمندانه بود که تصمیم گرفتیم مهم‌ترین مواردی را که گفته شد، مطرح کنیم.

در ادامه، بخش‌هایی از دیدگاه هر یک از مدیران می‌آید:

کتاب‌های درسی

○ موضوعی که می‌تواند در رشد راهنمایی به خوبی به آن پرداخته شود، ارتباط مجلات و کتاب‌های کمک آموزشی با کتاب‌های درسی است. باید مشخص کرد که این ارتباط طولی است یا عرضی؟ مفهوم‌های کتاب‌های درسی نکته‌یابی می‌شوند، اما

شماره ۵ بهمن ۹۰
دوره ۱۷



بین کتاب‌های درسی و غیردرسی دیوار بلندی کشیده شده است

عاطفی دانش‌آموز از خانواده، کوچک‌ترین مشکل آن است. فرصت گفت‌وگو در خانواده کمتر شده که گسست نسلی پیامد آن است.

○ گاهی آن چه به آن محصولات کمک آموزشی می‌گویند، کمک درسی هستند و تمام زحمات تولیدکنندگان کتاب‌های درسی و معلم‌ها را حیف و میل می‌کنند. کارایی محصولات کمک آموزشی طبق مصوبه دولت باید از سوی مراجع سرشناسی که همان تولیدکنندگان محتوای کتاب‌های درسی هستند، تأیید شود.

○ این موضوع که چرا بچه‌ها کتاب ریاضی را نمی‌خوانند و فقط در کلاس جزوه می‌نویسند، می‌تواند نقد و بررسی شود. هم‌چنین این که چرا در پایان سال، اصطلاحی به نام «جشن کتاب‌سوزی» شنیده می‌شود!

مجلات رشد و مدارس غیردولتی

○ تجربه نشان داده است، دانش‌آموزان مدارس غیردولتی به مجلات رشد توجه کمتری دارند، شاید دلیل آن برنامه‌ریزی درسی فشرده و استفاده از ابزار کمک آموزشی مانند کتاب و لوح فشرده باشد. معلمان این مدارس هم کمتر از مدارس دولتی از مجلات رشد استقبال می‌کنند. علت این بی‌توجهی ممکن است سن زیاد آن‌ها باشد. البته برای این گروه هم می‌توان به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرد که به نیازهایشان پاسخ داده شود. هر چند فرهنگ مطالعه امری درونی است و از زمان کودکی شکل می‌گیرد، اما شاید بتوان فرهنگ مطالعه مستمر را در دانش‌آموزان تقویت کرد، ولی معلمی را که دغدغه یادگیری ندارد، نمی‌توان به این سمت و سو کشاند.

موضوع نشریه‌های کمک آموزشی معلوم نیست تا معلم و دانش‌آموز تکلیفشان در برابر آن‌ها معلوم باشد.

○ کلیات کتاب‌های درسی با نگاه غیرنقدانه از سوی معلم و دانش‌آموز پذیرفته می‌شود، ولی مجلات کمک آموزشی نقد می‌شوند. مطالب علمی و غیرعلمی آن‌ها از دیدگاه‌های گوناگون مطالعه می‌شود. مطالب علمی رشد، در اینترنت، فیلم و لوح‌های فشرده آموزشی ارائه می‌شوند، اما در یک وجه تفاوت دارند و آن هم بیان آن از دیدگاه جهان‌بینی است. این نکته بسیار مهم است که وقتی دانش‌آموزی برای اولین بار مطالب علمی را می‌آموزد، از چه دیدگاهی به او ارائه شود.

○ بین کتاب‌های درسی و غیردرسی دیوار بلندی کشیده شده است. به اعتقاد بنده، وقت آن شده است که تمرکز دایی شود. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به خاطر بحث مالی در برابر این مشکل مقاومت نشان می‌دهد.

○ ما در مدرسه خود کوشیدیم ساعت انشا را به ادبیات نمایشی تبدیل کنیم. ادبیات نمایشی که خلاقانه توسط بچه‌ها ارائه می‌شود، استعدادها و ویژگی‌های آن‌ها را در تعدادی از آن‌ها نشان می‌دهد. مجسمه‌سازی، رباتیک و در کل آشنایی با برخی حرفه‌ها، می‌تواند به صورت خلاقانه صورت بگیرد.

○ موضوع رقابت مدرسه‌ها آن قدر مهم شده است که می‌توان به آن پرداخت.

یکی از مشکلات رقابت مدارس، طولانی شدن ساعات درسی است که باعث شده مدرسه وظیفه خانواده را به دوش بکشد. دوری

○ در مباحث روان‌شناسی آمده است، در برابر یادگیری کمی مقاومت وجود دارد. گروهی از معلمان سطح تجربه‌های خودشان را بالاتر از مطالبی می‌دانند که در نشریه‌های ویژه معلم ارائه می‌شود. باید بررسی کرد که آیا محتوای مجله از نظر زمان ارائه مطلب مشکل دارد یا در اصل موضوع. یکی از ضعف‌ها می‌تواند عملکرد واسطه‌های اجرایی از زمان تولید تا تحویل به مخاطب باشد.

چرا از مجلات رشد کمتر استقبال می‌شود؟

○ همه به این اصل معتقدیم که نباید به هیچ موضوعی جزیره‌ای نگاه کنیم. اگر نشریه‌هایی دورافتاده می‌مانند، حتماً طی فرایندی زمانی و مکانی به این وضعیّت رسیده‌اند. چند نکته را که در این باره به ذهنم می‌رسد، عنوان می‌کنم:

● فراموش نکنیم زمینه‌های مطالعه در معلم و دانش‌آموز کم شده است. پس قسمتی از مشکل خارج از مسئولیت‌های ماست. اگر مطالعه را از معلم بگیریم، با عامی بی‌سوادی که فقط به فعالیت‌های روزانه اکتفا می‌کند، فرق نمی‌کند. کتاب‌خانه‌ها به موجودات بی‌خاصیتی تبدیل شده‌اند که حتی کتاب‌دار متخصصی برای اداره آن‌ها در نظر گرفته نمی‌شود. هیچ هزینه‌ای برای حل این مشکل نمی‌شود و اصلاً دغدغه‌اش هم وجود ندارد.

در این باره آن‌چه که می‌توان در قالب توصیه‌های دوستانه گفت، توجیه کردن نیروهای توزیع‌کننده مجله در مناطق است. نیروی متخصصی که به مدیریت زمان توجه دارد، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتباط دادن تولیدکننده با مخاطب داشته باشد.

● اگر ما نسل معلمان دهه ۶۰ هستیم، باید به دنبال راه‌حلی باشیم تا با دانش‌آموز دهه جدید ارتباط درست و منطقی داشته باشیم.

● استفاده از نتایج مطالعاتی که به روش تطبیقی صورت گرفته‌اند، برای عملیاتی کردن نظریه‌های جدید درباره آموزش مطالب علمی و مهارت‌های زندگی، با توجه به آسیب‌شناسی فرهنگ، اقلیم و سایر مؤلفه‌های تحقیقی، می‌تواند راه‌حل مناسبی برای برنامه‌ریزی محتوای مجله باشد.

● در روان‌شناسی محتوای کتاب و مجله، به این پرسش پاسخ دهیم که چرا عده‌ای سال‌ها مخاطب مجله مورد علاقه‌شان می‌مانند و آن را در کنسوی میز کارشان جا نمی‌گذارند. این پرسش می‌تواند توسط تشکیلات بزرگی مانند دفتر انتشارات کمک آموزشی که با معلم و دانش‌آموز در ارتباط نزدیک است، پژوهش شود. قطعاً نتایج خوبی هم خواهد داشت که نباید در جدول و توضیحات تحقیقی بماند. تحقیق باید در راستای تولید محتوا باشد نه مانند دو خط موازی که هیچ‌گاه بر هم تأثیر نمی‌گذارند.

○ توجه به انواع شیوه‌های نگارش و استفاده از تجربه‌های نویسندگان درباره روان‌شناسی تألیف، به جذاب‌تر شدن محتوای مجله کمک خواهد کرد. در فیلمی که نمایش دادید، یکی از دانش‌آموزان به محض گرفتن مجله کنار دیوار نشست و آن را ورق زد؛ این یعنی توجه به نیاز مخاطب. متأسفانه در تولید محتوای برخی نشریه‌ها، تولیدکنندگان از دیدگاه خودشان نیازسنجی می‌کنند نه مخاطب. این یعنی زور و اجبار. دیگر مخاطب به انتظار نمی‌نشیند تا مجله به دستش برسد و از ۲۴ معلمی که در مدرسه هستند، فقط یکی از آن‌ها سراغ مجله می‌آید. یادم می‌آید، «مکتب اسلام» و «کیهان بچه‌ها» مخاطب خودشان را می‌شناختند. همه منتظرشان

می‌ماندیم. اما امروز دیگر کسی به انتظارشان نمی‌ماند، چون به روز نیستند و نیاز خوانندگانشان را نمی‌سنجند. یادم می‌آید، دهه شصت وقتی در دانشگاه تربیت معلم تحصیل می‌کردم، مجلات رشد آن قدر غنی بود که مکمل مطالب درسی می‌شد. پیشنهاد می‌کنم شماره‌های آن دوره را به عنوان سند تحقیقی مناسب، نقد و بررسی کنید.

جایگاه مجلات رشد بین دانش‌آموزان و معلمان

چه اشکالی دارد دفتر انتشارات کمک آموزشی بخشی از وقت و انرژی خود را صرف یافتن پاسخ این مشکل مهم کند. وقتی خودروسازی از قاره‌ای به قاره دیگر نماینده می‌فرستد تا ببیند مردم فلان کشور آفریقایی چه رنگی را بیشتر دوست دارند، نشان‌دهنده برد خورده‌ی درست علمی با مسئله است.

بخشی از گفت‌وگو به نقد و بررسی این موضوع اختصاص یافت که طی چه فرایندی از جذابیت و محبوبیت مجله کم می‌شود؟

○ عده‌ای معتقدند، شاید حضور رسانه‌های گوناگون و همه‌گیر مانند اینترنت، باعث کم شدن جذابیت نشریه‌هایی شده است که تا همین یکی دو دهه پیش محبوب‌ترین خواندنی‌ها بودند. اما من می‌گویم، اگر امروز من هنوز نشریه «دوچرخه» را دوست دارم، به این خاطر است که با او دوست هستم. مطمئن باشید دانش‌آموزان و معلمان هستند که مجلات رشد را دوست دارند و به آن علاقه‌مندند؛ همان‌طور که ما در دوره خود کیهان بچه‌ها را دوست داشتیم و درباره آن با هم کلاسی‌هایمان حرف می‌زدیم.

○ بنده رشد را به صورت محدود در اختیار دانش‌آموزان و معلمان قرار می‌دهم تا خودشان سراغش را از من بگیرند. برای مثال، چند نسخه روی میز می‌گذارم و یک نسخه هم به معلم انشا می‌دهم. گاهی بچه‌ها سر صف، بخش‌هایی از مطالب آن‌ها را برای همه می‌خوانند. آن‌چه امروز می‌توانم بگویم، این است که نگران کم خوانده شدن مجلات رشد نباشید. گاهی مطالب مجلات دیگر جای خالی آن را پر و به وظیفه‌شان عمل می‌کنند.

○ یکی از پیشنهادها برای جذاب‌تر شدن مجله، طرح مسابقه برای مخاطبان بود که اکثر مدیران عنوان کردند. شاید این شیوه مخاطب را شرطی کند یا این که بخش بزرگی از محتوای مجله را به حاشیه بکشاند. آن‌چه گفته و به آن پاسخ داده شد، از این قرار است:

○ ما در مدرسه خود، در ایام ویژه مانند روز معلم، از مطالب مجله سؤال طرح می‌کنیم و به برنده‌ها جایزه می‌دهیم. اجبار ما برای آن‌ها عادت شده است. اما اگر محتوا به خودی خود جذاب باشد و دانش‌آموز با اشتیاق آن را مطالعه کند، حتماً شیوه بهتری برای بالا بردن سطح مطالعه اوست.

○ ما مسابقات «مجله باز» برگزار می‌کنیم. می‌کشیم طوری سؤال طرح کنیم که برای بچه‌ها جذاب باشد.

و اما پاسخ چنین بود:

طرح مسابقه یا برگزاری آزمون از مطالب مجله، از هدف‌های دفتر انتشارات کمک آموزشی نیست. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به دنبال تهیه بسته آموزشی با محوریت برنامه درسی است. مطالعه مجله ما اجباری نیست. مانند تمام مجلات دیگر، قسمت‌های خواندنی از نظر مخاطب، مطالعه می‌شود.

ما در مدرسه خود
کوشیدیم ساعت انشا
را به ادبیات نمایشی
تبدیل کنیم